



در متی ۵ : ۷ عیسی بذر مهمی برای فرهنگ پادشاهی خدا می‌کارد. او به شاگردانش می‌گوید. خوشا به حال رحم کنندگان زیرا بر آنها رحم خواهد شد. یکی از خصوصیات عیسی و پیروانش مورد رحمت قرار دادن دیگران است.

این فرهنگی است که پادشاهی خدا در آن بارور میشود.

روت الگوی ترحم کردن

روت ۱: ۶-۱۸

روت یک بیوه زن موآبی بود. او با یکی از دو پسر نعومی، که یک یهودی پناهجو بود، ازدواج کرده بود. از دید قوم یهود، یک فرد موآبی به عنوان بیگانه به حساب می‌آمد و اجازه ورود به خانه خدا را نداشت (نحمیا ۱۳: ۱). بنابراین او دلایل موجهی داشت، تا به همراه مادر شوهر خود به اسرائیل نقل مکان نکنند. با این وجود تصمیم گرفت که نه تنها مادر شوهرش را که به تازگی دو پسر خود را از دست داده بود، تنها نگذارد، بلکه خدای اسرائیل را نیز پیروی کند. او احتمالاً میدانست که فشارهای بسیاری در انتظارش است، ولی محبت او خیلی فراتر از منافع شخصیش بود. روت یک عشق واقعی نسبت به نعومی در قلب خود داشت، و بر اساس آن محبت به او ابراز شفقت میکرد. او میخواست به نعومی که غمگین بود کمک کند. نعومی نه تنها سرزمین و همسر خود را از دست داده بود، بلکه فرای همه چیز دو پسر او نیز مرده بودند.

این نگرش روت ترحم نامیده می‌شود.

روت ۲: ۳-۱۳

روت تصمیم به چیدن خوشه‌های باقیمانده پس از درو میگرفت. او خیلی زود متوجه میشود که بیش از معمول خوشه برای چیدن موجود است، زیرا که مالک زمین، بوعز نظر مطلوبی نسبت به او داشت. روت ترحم نشان داد و چند برابر مورد ترحم قرار گرفت.

روت ۴: ۱۳

روت یک زن موآبی بود، یک بیگانه، کسی که از بودن در حضور خدا در معبد منع شده بود. با این وجود با بوعز ازدواج میکند. اینگونه است که حتی در نهایت در شجره نامه عیسی نیز یافت میشود.

او نیز شریک میراث روحانی قوم خدا شد (برکت موعود ابراهیم به همه قوم‌ها).

مقصود عیسی از مهربانی چیست؟

لوقا ۶: ۳۶

لوقا ۱۰: ۲۵-۳۷

عیسی رحمت خدا را به شاگردانش می‌آموزد. او به نیازمندان ترحم میکند. عیسی با اشاره به داستان مرد سامری، به وضوح می‌گوید که ترحم و دلسوزی نه تنها برای اقوام و دوستانان است، بلکه برای افرادی که در احتیاج هستند. علمای دین خداوند را میشناسند و شناخت زیادی نسبت به قوانینش دارند، ولی ترحمی از خود نشان نمیدهند. برعکس مرد سامری، کسی که یهودیان به چشم حقارت به او نگاه میکنند، کاری را انجام داد که نشان دهنده شخصیت خداوند است. او ترحم میکند.

چه چیزی مانع ترحم کردن ما می‌گردد؟

لوقا ۶: ۳۶-۳۷

یعقوب ۲: ۱-۹

بسیاری اوقات ما به ظاهر افراد نگاه میکنیم و بر حسب گفته های دیگران یا گفته های خودشان در مورد آنها قضاوت میکنیم، این باعث میشود که نتوانیم به دیگران کمک و خوبی کنیم. اما خدا رحیم است، او نه به ظاهر افراد نگاه میکند و نه به سخنان دیگران در مورد کسی گوش میدهد. حتی اگر انسانها بد باشند، خدا واکنشی پر از ترحم نشان میدهد. لوقا ۶: ۳۵

شهادت

در جلسه ای یکی از دوستان اعلام کرد، اگر کسانی هستند که فردی را مورد تجاوز جنسی قرار داده اند، برای دعا و بخشش به جلو بیایند. حداقل ۲۵ مرد به جلو آمدند. چه کسی میتواند تصور کند که چنین افرادی جرات جلو آمدن را داشته باشند؟ به سرعت در قلبم قضاوتشان کردم. ولی نظر خدا متفاوت بود. هرگز صدای گریه های تأسف بر انگیز این مردان را فراموش نمیکنم که تقاضای بخشش کرده و آن را دریافت میکردند.

بعدها پی بردم که تقریباً تمام آن مردان در دوران کودکی شان، خودشان مورد تجاوز و آزار جنسی قرار گرفته بودند. وقتی ماجرای زندگی یکی از آنها را شنیدم، قلبم به سختی شکست. ناگهان دیدم شخص نسبت به چنین "متجاوزی" دگرگون میشود. این مرد فقط احتیاج به ترحم و فیض داشت، نه به قضاوت.

فیض و ترحم

ترحم = التوس

معنی این واژه این است: دلسوزی کردن با فردی، و یا کمک رسانی به شخصی که غمگین یا نیازمند به کمک است.

مثال:

سالیان قبل، مترجمی داشتم که برای کارآموزی از طرف مدرسه اش فرستاده شده بود تا صحبت‌هایم را از انگلیسی به روسی ترجمه کند. این مدرسه برای آموزش و پرورش مترجمان بود. او یک کمونیست قاطع بود و به من گفته بود که حاضر است که حرف‌هایم را ترجمه کند ولی هرگز مسیحی نخواهد شد. کاجا، مترجمم، به مدت سه روز مرا همراهی کرد. بارها افرادی با ماجراهای اسفناکی از زندگی‌شان پیش من می آمدند. و او در این میان میدید که فیض و رحمت ما مسیحیان و خدایمان چگونه این افراد را عمیقاً لمس کرده و به آنها آرامی مبخشد.

روز آخر با کسی سخن میگفتم که خودش مسلط به زبان انگلیسی بود. در همین حین کاجا با پسری به نام پورا که در جاهای فاضلاب شهر چیتا زندگی میکرد آشنا و هم صحبت شد. او به شدت کثیف و بد بو بود. پدر و مادری نداشت و با آنچه که میدزدید به زندگی ادامه میداد. در آن لحظه قلب کاجا مملو از ترحم و همدردی شد. کاجا ناگهان برای این پسر دعا کرد. در صورتی که گفته بود هیچ ایمانی ندارد. همین تجربه زندگی کاجا را دگرگون کرد. او فقط برای تسلی پورا دعا نمیکرد، بلکه خدای رحمت و تسلی را ملاقات کرده بود.

در طی یک اقدام بشارتی در وین من با خودم رو به رو شدم. در آن زمان در خیابانها شروع به صحبت در مورد محبت خدا میکردم. ناگهان یک شخص معتاد به الکل که بسیار بوی نامطلوبی میداد به طرفم آمد. لباسهایش کثیف و پاره بودند. با صدای بلند فریاد میزد و آرامش نمایش خیابانی ما را به هم میریخت. با اضطراب سمتش رفتم و او را به کناری کشیدم. در حین صحبتیم با او، خدا قلبم را با ترحمی که در قبال این مرد داشت عمیقاً لمس کرد. روز بعد این مرد به همان مکان آمد، همچنان تحت تاثیر الکل بود و از دستش خون میچکید. به طرفش رفته و سعی کردم او را آرام کنم. این بار نزدیکتر آمد و تصمیم داشت مرا به آغوش بگیرد. لحظه ای تردید کردم، آیا میخواستم چنین مرد کثیفی را به آغوش

بکشم؟ ولی باز هم قلبم سرشار از شفقت برای این مرد شد. او را با تمام قلبم در آغوش گرفتم. انجیل مسیح زیباست، ولی به قیمت همه چیزتان تمام میشود.

تکلیف

دعا کنید که خدای پدر رحمت عظیم خود را برای تمام زمین و بلاخص محل زندگیتان به شما نشان داده، و اجازه دهد آنرا تجربه کنید

اصل سی و پنجم

عیسی رحمت خدا را به شاگردانش می آموزد. او به نیازمندان ترحم می کند. عیسی با اشاره به داستان مرد سامری، به وضوح می گوید که ترحم و دلسوزی نه تنها برای اقوام و دوستانتان است، بلکه برای افرادی که در احتیاج هستند. شما زمانی رحمت خواهید یافت که مانند خداوند رحیم باشید.

